

گفت‌وگو با علیرضا عبدی، طنزنویس و نویسنده کتاب «شوگر چایی»

طنز برای همه جذاب و همیشه ماندگار است



من از سال ۹۷ نوشتن را شروع کردم. دلم می‌خواست فیلمنامه بنویسم اما رسیدن به فرم ایده‌آل و ساخته شدن کاری که نوشته‌ام سخت بود و هست. یادم است ابتدا در نشریات دانشجویی و جاهای مختلف طنز و داستان کوتاه می‌نوشتم. مثلاً نوشته‌هایم برای نشریات دانشگاه‌های علوم پزشکی کرمانشاه، همدان، لرستان و دانشگاه شریف بازخوردها و مقام‌های خیلی خوبی برپایم داشت.

■ محمدحسین یوسفی

علیرضا عبدی، جوان طنزنویس برای تلطیف شغل خود به عنوان معلم ریاضی به‌نویسندگی در حوزه طنز روی آورده‌است. به بهانه انتشار کتاب «شوگر چایی» با او گفت‌وگو کرده‌ایم.

لطفاً خودتان را معرفی کنید و درباره مسیر تحصیلی و شغلی‌تان بگویید.

علیرضا عبدی هستم، متولد سال ۱۳۷۶. داشاں موخته رشته دبیری ریاضی از دانشگاه فرهنگیان و الان هم معلم ریاضی هستم.

طنز و ریاضی اشدنی است؟

ریاضی به خودی خود سخت و خشک است. من برای فرار از ریاضی به سمت هنر و نوشتن و مخصوصاً طنز آمدم. بیژن نجدی هم دبیر ریاضی بود و داستان‌نویس. معلمان نویسنده هم کم نداشتیم؛ البته کلی مهندسی خوانده نویسنده داریم که خیلی زیادند و حرف‌هایی که از تأثیر ریاضی در فرایند ذهنی و نگارش شان گفته‌اند و اینکه کلاس‌هایم هم در عین سختی ریاضی، تلاش کرده‌ام جذاب و شاد باشد. هم برای خودم و هم دانش آموزانم.

چطور نوشتن را شروع کردید؟

✚ رویداد

■ شهید سیدعلی اندرزگو کیست؟

سیدعلی اندرزگو (متولد ۱۳۱۸ شمسی در تهران، محله شوش) روحانی، مبارز سیاسی و عضو جمعیت هیئت‌های مؤتلفه اسلامی بود که مبارزات مسلحانه و فرهنگی علیه رژیم پهلوی را از سال‌های قبل از انقلاب آغاز کرد.

او در فعالیت‌های مخفیانه با استفاده از نام مستعار، تغییر چهره، رفت‌وآمد بین شهرها و پنهان کاری، سال‌ها از دست نیروهای اطلاعاتی رژیم در امان بود. سرانجام در روز دوم شهریور ۱۳۵۷ (ماه رمضان) در تهران به دست ساواک به شهادت رسید.

شهید اندرزگو به عنوان نمادی از مقاومت، مخفی کاری هوشمندانه، استقامت و مبارزه فرهنگی و عملی شناخته می‌شود؛ شخصیتی که مبارزه‌اش نه فقط با اسلحه، بلکه با قلم و نشر روایت‌ها نیز مرتبط بوده است. این ویژگی‌ها باعث شده‌اند پس از انقلاب و به ویژه در سال‌های اخیر، بزرگداشت و نام وی محور فعالیت‌هایی فرهنگی شود.

■ آغاز جشنواره و اهداف آن

جایزه ادبی شهید سیدعلی اندرزگو به منظور پاسداشت خاطره این مبارز و همچنین تبیین و روشنگری تاریخ معاصر ایران به ویژه دوران رژیم پهلوی تأسیس شده است.

اهداف اصلی جشنواره عبارتند از:

■ مقابله با تحریف تاریخ معاصر و تطهیر نادرست پهلوی‌ها و دستگاه امنیتی آن دوره به ویژه ساواک.

■ ترویج روایت مستند و تاریخ شفاهی، ایجاد انگیزه برای پژوهشگران، نویسندگان و ناشران تا روایتی مبتنی بر اسناد و واقعیت داشته باشند.
■ حمایت از ادبیات داستانی، کودک و نوجوان، رمان بزرگسال، ادبیات نمایشی به ویژه آثاری که فرم و محتوا را تلفیق کرده‌اند.

■ جریان‌سازی در ادبیات انقلابی، یعنی تأکید بر تولید آثار جدید، نوآوری در قالب و زبان ادبی در موضوعات مرتبط با انقلاب، مقاومت و مبارزه با ظلم.

■ روند برگزاری دوره‌ها

■ دوره اول، دوم و سوم جشنواره به ترتیب در سال‌های اخیر بر گزار شده و همواره شاهد افزایش تعداد آثار شرکت‌کننده و تنوع موضوعات بوده‌اند.

■ تاکنون چهار دوره بر گزار شده است. در چهارمین دوره، حدود ۷۵۰ نویسنده شرکت کرده و تقریباً ۱۶ هزار اثر به دبیرخانه ارسال شده‌اند.
■ بخش داوری معمولاً شامل هیئتی از نویسندگان، اساتید، پژوهشگران و منتقدان است که آثار را بر اساس معیارهایی چون صحت تاریخی، نوآوری در روایت، کیفیت ادبی و توانایی تأثیرگذاری انتخاب می‌کنند.

■ بخش‌های مختلف جشنواره عبارتند از: «روایت مستند و تاریخ شفاهی»، «داستان بلند و رمان بزرگسال»، «داستان کودک و رمان نوجوان» و «ادبیات نمایشی». در دوره چهارم، بخش ادبیات نمایشی

✚ صحنه

■ الهام راده‌مهر

نمایش «اسکارلت و شب بارانی» یکی از تازه‌ترین تجربه‌های تئاتری است که با حمایت مرکز خانواده امید حوزه هنری تهیه و تولید شده است. این اثر پس از اجراهای موفق در اصفهان، حالا آماده می‌شود در شیراز نیز به صحنه برود؛ روپدادی که نشان می‌دهد تئاتر می‌تواند فراتر از یک اجرا، به حرکتی فرهنگی و جریان‌ساز در شهرهای مختلف بدل شود.

اصفهان در سال‌های اخیر شاهد اجراهای متنوعی در حوزه تئاتر بوده است؛ اما بعضی از این اجراها نه‌فقط به عنوان یک اثر نمایشی، بلکه به‌منایه یک رویداد فرهنگی در ذهن تماشاگران ماندگار می‌شوند. «اسکارلت و شب بارانی» یکی از همین اتفاق‌ها بود؛ اجرایی که در شب‌های بارانی اصفهان به صحنه رفت و توانست با روایت و فضاسازی خاص خود، برای مخاطب تجربه‌ای تازه بیافریند.

نخستین چیزی که در مواجهه با این نمایش به چشم می‌آید، خود عنوان آن بود: ترکیبی شاعرانه از یک نام و یک وضعیت جوی. «اسکارلت» در ذهن بسیاری یادآور رمان‌ها و سینماست، شخصیتی که همواره با نوعی شور و سرنوشت تراژیک همراه است. وقتی این نام کنار «شب بارانی» می‌شنید، تماشاگر پیش از دیدن حتی یک صحنه، وارد حال‌وهوایی عاطفی

می‌شود. این عنوان وعده روایتی عاشقانه و در عین حال غمبار می‌دهد؛ وعده‌ای که نمایش در طول اجرا به‌خوبی به آن وفادار می‌ماند.

کارگردانی اثر هوشمندانه بود. در سالن تئاتر، باران نه‌فقط به عنوان یک عنصر تزئینی، بلکه به‌عنوان بخشی از زبان روایت به کار گرفته شده بود. صدای



باران، نورپردازی ملایم و گاه خشن و حرکت بازیگران در میان این فضاسازی، همه چیز را به سمت نوعی رئالیسم شاعرانه سوق می‌داد. مخاطب گمان می‌کرد باران حقیقتاً پیر او می‌بارد؛ انگار اصفهان با تمام معماری و خاطراتش به درون سالن آمده و در داستان جاری شده است.

فرهنگی

سرویس فرهنگی ۶۰۸۵۲۳۰۶

دوشنبه ۲۴ شهریور ۱۴۰۴ | ۲۲ ربیع‌الاول ۱۴۴۷ |



همیشه جذاب بوده و معتقدم در هر قالبی که باشد، برای همه جذاب و ماندگار خواهد بود. الان دو کتاب آماده دارم که یکی‌شان رمان طنز جنایی به نام «عملیات قالیاق» از انتشارات صاد و درباره دانشمند هسته‌ای است. این کتاب در جشنواره خودنویس دوره پنجم هم برگزیده شده، چهارمین کتابم که قرار است نشر مهرک منتشر کند کمی جدی‌است، هرچند رگه‌هایی از طنز درونش وجود دارد. مطمئناً طنز نوشتن برای من ادامه دارد و من هم همچنان در این مسیر خواهم بود. داستان و رمان و قطعه‌فیلمنامه.

داستان‌نویسی یاد گرفتم و با یکی، دوبار رفت و برگشت با استاد، در نهایت ۱۸ داستان انتخاب شدند که رفت برای چاپ. البته حدود ۱۴ ماه بعد منتشر شد، یعنی بهمن ۱۴۰۳. خیلی از داستان‌ها برگرفته از خاطرات و دیده‌های واقعی من در خوابگاه بود که البته برای جذاب‌تر شدن کمی به آنها تخیل اضافه کردم. در ضمن، عزیز نسین و خسرو شاهانی را خیلی خوانده بودم و از آنها خیلی یاد گرفتم.

چرا نام کتاب «شوگر چایی» شد و آیا نویسندگان خاصی روی شما تأثیر داشتند؟

اسم کتاب را استاد داوود امیریان انتخاب کردند. من هم به شوخی می‌گویم اگر اسم کتاب خوب است، من انتخاب کرده‌ام و اگر بد است، ایشان! چون من اسم طولانی‌تری مد نظر داشتم ولی ایشان گفتند اسم کتاب باید کوتاه، ساده، بامزه و ماندگار‌تر باشد. از نظر ادبی، چون خیلی جلال‌الدین احمد، نادر ابراهیمی و آنتون چخوف را می‌خواندم، سبک کوتاه‌نویسی‌شان روی من تأثیر گذار بود.

نگاه شما به طنز و جایگاه آن در نویسندگی‌تان چیست؟

کتاب دوم هم به نام «کنترل زد» از انتشارات میخ‌آن هم مجموعه داستان طنز است که در دبیرست اسماں منتشر شد. طنز برای من

جشنواره ادبی شهید اندرزگو، معرفی و تاریخچه

این مبارزه ادامه دارد



برگزیده برتر نداشت.
■ **دوره چهارم: شعار و وضعیت فعلی**
چهارمین دوره با شعار «این مبارزه ادامه دارد» به گزار شد. مراسم اختتامیه و اهدای جایز چهارمین دوره در ۱۷ شهریور ۱۴۰۴ در سالن سوره حوزه هنری انقلاب اسلامی بر گزار شد.
■ **روایت تاریخ و تاریخ شفاهی**

در این بخش، کتاب «مبارزه» به روایت شهید محمدصادق اسلامی» رتبه نخست را به دست آورد؛ اثری که با تکیه بر اسناد و خاطرات، زندگی یکی از شهدای شاخص انقلاب را بازآفرینی می‌کند و نقش او را در شکل‌گیری جریان‌های انقلابی نشان می‌دهد. رتبه دوم مشترک به

دو اثر رسید: «فهم زمانه» که تحلیلی عمیق از شرایط فکری و فرهنگی جامعه پیش و پس از انقلاب ارائه می‌دهد و «ضارخان تا شاهانه» که روایتگر مسیر قدرت‌یابی و تغییر ساختار حکومتی در عصر پهلوی اول است. رتبه سوم نیز به کتاب «من ربانی شیرازی هستم» تعلق گرفت، روایتی از زندگی و مبارزات آیت‌الله ربانی شیرازی که نشان می‌دهد چگونه یک روحانی مبارز توانسته است بر تحولات محلی و ملی تأثیر گذار باشد.

■ **رمان و داستان بزرگسال**

در بخش رمان و داستان بلند، کتاب «ماه و بلوط» نوشته محسن

بخشی که نشان می‌دهد ادبیات متعهد تنها در محتوا خلاصه نمی‌شود و باید از نظر زبانی و فنی نیز به استانداردهای حرفه‌ای نزدیک شود. در این بخش نیز آثاری برگزیده شدند که توانستند معیارهای ویرایشی و نگارشی را به بهترین شکل رعایت کنند.

■ **درخشش انتشارات سوره مهر**

یکی از نکات قابل توجه در چهارمین دوره جشنواره شهید اندرزگو، حضور پررنگ و موفق انتشارات سوره مهر بود. این ناشر با چند اثر شاخص در بخش‌های مختلف توانست توجه داوران و مخاطبان را جلب کند. «ماه و بلوط» به قلم محسن مومنی شریف که رتبه نخست بخش رمان و داستان بزرگسال را به دست آورد، از آثار شاخص این انتشارات بود.

همچنین «پرواز مسکو» و «من ربانی شیرازی هستم» از دیگر کتاب‌های سوره مهر بودند که در میان برگزیدگان جای گرفتند. این حضور نشان می‌دهد سوره مهر همچنان یکی از مهم‌ترین پایگاه‌های تولید و ترویج ادبیات انقلاب اسلامی است و نقش بی‌بدیلی در پرورش نویسندگان متعهد ایفا می‌کند.

■ **تحلیل و نکات قابل تأمل**

■ بخش روایت مستند و تاریخ شفاهی همانطور که هدف اصلی جشنواره است، بسیار پررنگ است و آثار منتخب در آن معمولاً ترکیبی از پژوهش، مصاحبه، خاطره و تحلیل تاریخی‌اند. این باعث می‌شود مخاطب با جنبه‌های کمتر دیده‌شده تاریخ معاصر آشنا شود.

■ در بخش داستان بزرگسال، تنوع موضوعات و سبک‌ها مشاهده می‌شود؛ از تجسم نمادین تا تقلیدهای روانی؛ این نشان‌دهنده توجه به فرم و زبان است، نه فقط مضمون انقلابی یا تاریخی.

■ آثار کودک و نوجوان نیز تلاش کرد دانه مباحث مهم را با زبان مناسب‌تر برای سنین پایین‌تر بازتاب دهد؛ این مهم است چون تأثیرات فرهنگی و تاریخی از سنین نوجوانی بهتر در جامعه رخنه می‌کند.

عدم انتخاب اثر برتر در بخش ادبیات نمایشی این دوره نشان‌دهنده چالشی در این بخش است یا اینکه آثار ارسالی هنوز امکان لازم برای برآورده کردن معیارها را ندارند یا باید نوع روایت در این قالب بیشتر تقویت شود.

جایزه ادبی شهید اندرزگو به عنوان یک جشنواره ادبی – پژوهشی، نقش مهمی در حفظ و بازتاب حقیقت تاریخی ایفا می‌کند. نه فقط به این منظور که روایت مبارزه و ظلم و مقاومت فراموش نشود، بلکه برای مقابله با جریان‌هایی که تلاش می‌کنند چهره رژیم پهلوی را تطهیر کنند یا گزارش‌های تحریف‌شده از تاریخ بسازند.

دوره چهارم این جشنواره شاهد رشد کمی و کیفی است؛ افزایش تعداد آثار، توجه بیشتر به ویرایش و کیفیت ظاهری و فنی، تنوع موضوعی و سبک و نیز توجه به توان داستانگو و روایتگر. کتاب‌هایی که برگزیده شدند، هر کدام به نوعی نمایانگر این پیشرفت‌اند.

بارانی‌اش پیوندی ناگسستنی برقرار کرد و توانست فضا داشتند. نقش «اسکارلت» به‌خوبی اجرا شد؛ بازیگری که توانست ترکیبی از استواری و شکنندگی را در چهره و حرکات خود جمع کند. او نه قهرمانی شکست‌ناپذیر بود و نه قربانی منفعل، بلکه انسانی خاکستری، شبیه ما و درگیر تصمیم‌هایی دشوار. بازیگران دیگر نیز به‌جای آنکه در سایه این شخصیت محو شوند، هر یک دبایلی کوچک به صحنه آوردند. این هماهنگی جمعی، نمایش را از خطر تبدیل شدن به یک تک‌پردازانه نجات داد.

درام نمایش حول مفاهیم عشق، امید و تنهایی می‌چرخید. باران که مدام حضور داشت، استعاره‌ای از تطهیر و در عین حال دلنگنی بود. مخاطب حس می‌کرد شخصیت‌ها زیر باران به دنبال شستن گذشته‌اند، اما همچو باران مانع دیدن راه می‌شود. این تقابل به متن لایه‌ای فلسفی می‌داد که می‌توانست هم جوانان و هم نسل‌های قدیمی‌تر را با خود درگیر کند.

آتش تماشاگران اصفهانی نیز جالب توجه بود. عده‌ای تماشاگر حال‌وهوای شاعرانه نمایش شدند و آن را تجربه‌ای متفاوت از تئاترهای روزمره دانستند. عده‌ای دیگر معتقد بودند روایت کمی طولانی شده و می‌توانست جمع‌وجورتر باشد، اما تقریباً همه بر یک نکته توافق داشتند: این نمایش با اصفهان و شب‌های

■ راضیه نجیبی

هر بار که چشم به عنوان کتاب می‌افتاد، رنگی می‌کردم و معنای آن را در ذهنم می‌کاویدم، اما تصمیم گرفتم قبل از خواندن، را نام را کشف نکنم و اجازه دهم خود داستان این پرده را کنار بزند. خیلی زود روشن شد «موندو» نام شخصیت اصلی رمان است؛ پس‌رکی ۱۲ساله که قصه از زبان او روایت می‌شود. اینکه چرا چنین نامی برایش انتخاب شده و معنای دقیق آن چیست را به کشف خودتان واگذار می‌کنم.

موندو در خرمشهر روزگار می‌گذراند و آنچه می‌خوانیم، خاطرات او از سال‌های اشغال شهر به دست ارتش بعث است. پسری در استانه نوجوانی که میان دنیای کودکانه و تجربه‌های تلخ جنگ سرگردان است، روایت‌او سرشار از سادگی، شیرینی ونگاهی متفاوت به جهان است؛نگاهی که هر کودک ونوجوانی به شیوه‌ای یگانه آن را می‌سازد.

آنچه خاطرات موندو را خاص می‌کند، درهم‌تنیدگی واقعیت و خیال است. تخیل او چنان پررنگ است که گاه مرز میان جهان واقعی و ساخته‌های ذهنی‌اش ناپدید می‌شود. برجسته‌ترین نمود این خیال حضور مترسکی است با قدرت‌های خارق‌العاده؛ دوستی عجیب که همدم موندوست و در لحظه‌های دشوار به کمکش می‌آید. ابتدا گمان می‌بریم مترسک تنها در ذهن او زنده است، اما با ورود دیگر شخصیت‌ها به این رابطه و پذیرش شگفت‌زده و سریع‌شان، فضای داستان رنگ و بوی «رئالیسم جادویی» یا حتی یک فانتزی تمام‌عیار می‌گیرد؛ جایی که جدا کردن خیال از واقعیت ممکن نیست.

رمان «موندو» بر دو پیرنگ بنا شده است: یکی زندگی و خاطرات پسرک و دیگری ماجرای قتل‌های زنجیره‌ای در شهر که از زاویه دید سوم شخص روایت می‌شود. در آغاز، بخش قتل‌ها کنج‌کاویر انگیز است و خواننده را به پیگیری وامی‌دارد، اما هرچه پیش می‌رویم، گسست این دو خط داستانی آشکارتر می‌شود. آن چنان که می‌توان روایت قتل‌ها را حذف کرد بی آنکه خللی در خاطرات موندو ایجاد شود. از همین رو، کتاب بیش از آنکه رمانی با طرحی منسجم باشد به خاطر دنگاری خیال‌پردازانه شباهت دارد.

با این حال، دو عنصر مهم در پیشبرد روایت نقش تعیین‌کننده دارند: تخیل و ترس. موندو در آغاز بر از هراس است، اما در ادامه شجاع‌تر می‌شود؛ تحولی که یادآور دگرگونی شخصیت‌های آثار شخصیت‌محور است. با وجود این، ارتباط این تغییر با تجربه جنگ چندان پررنگ و باورپذیر ساخته نشده است. حتی تصویرهایی که از جنگ می‌بینیم، بیشتر بازتاب تخیل کودکانه‌اند تا بازنمایی عمیق واقعیت.

با وجود کاستی‌ها، چیزی که خواننده را با کتاب همراه می‌کند، زبان روایت است. نثری شیرین، روان و متناسب با سن راسی که آمیخته با دنیای کودکانه و بی‌پیرایه اوست. همین زبان، ضعف‌های ساختاری را تا حدی می‌پوشاند و خواننده را به دل داستان می‌کشاند. البته باید گفت صبر و حوصله مخاطب نقش مهمی دارد؛ خواننده‌ای که تنها به دنبال یک قصه خطی و پرکش باشد، شاید زودتر از آنچه انتظار می‌رود کتاب را کنار بگذارد.

اما اگر با نگاهی بازتر سراغ موندو برویم، می‌توانیم آن را همچون سفری کوتاه به دنیایی ساده و خیال‌انگیز تجربه کنیم؛ فرصتی برای استراحت ذهن در میانه شلوغی‌ها و خستگی‌ها و غوطه‌ور شدن در جهان شفاف و کودکانه پسری ۱۲ساله.

مشخصات کتاب: موندو / نویسنده: محمدرضا آریان‌فر

ناشر: سوره مهر / ۱۴۶ صفحه / چاپ اول